

هر گاه بتوان شخصیت و ماهیت نویسنده را در لایه‌لای مطالبش پیدا کرد و به اهداف گوینده با دقت در گفته‌هایش دست یافت، شخصیت فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک ملت را نیز می‌توان از ورای ضرب المثل‌های به جا مانده از ملت، و افتاده در دست و دهان افراد جامعه به نظاره نشست.

بر این اساس می‌توان مدعی شد که ضرب المثل‌ها آینه تمام نمای اعتقادات، ارزش‌ها، باید و نبایدها، ایده‌ها، آرزوها و افکار یک ملت و از زاویه‌ای دیگر، بیانگر حوادث اجتماعی و سیاسی آن ملت می‌باشند. در مقدمه کتاب «ریشه‌های تاریخی امثال و حکم» آمده است:

«امثال و حکم کامل‌تر از سایر ادبیات عامه و بیان‌کننده خفیات اقوام و جوامع است. معانی و مفاهیم مجازی و استعاره‌ای که در امثال و حکم به کار رفته [است] در واقع به مثابه صحنه‌های نمایش است که گویی اقوام و ملل تمام خلقیات خویش، اعم از غم

از زاویه‌ای دیگر ضرب المثل‌ها را می‌توان در چند قالب کلی قرار داد:

۱- برخی از ضرب المثل‌ها ریشه مذهبی دارند. تشابه معنایی این‌ها با برخی آیات و روایات بیانگر همسویی آن‌ها با فرهنگ دینی است. این مطلب امری بدیهی و طبیعی است، زیرا در جوامع مذهبی، یافته‌ها، اعتقادات، خواسته‌ها و نبایدها و نبایدها علی الاصول نمی‌توانند ماهیتی غیر مذهبی داشته باشند.

بر همین اساس، ضرب المثل‌های زبان فارسی که در حقیقت همان فرهنگ عامه مردم مسلمان کشورمان است، همسویی خاصی با فرهنگ دینی و عرف پسندیده پیدا کرده است. اگر چه بعضاً ریشه در سرزمین سایر ملت‌ها دارد. در میان ضرب المثل‌های فارسی زبان، مصادیق متعددی در این مفهوم قرار می‌گیرند. برای مثال، ضرب المثل معروف «از تو حرکت از خدا برکت» بهترین چار چوب را برای «توکل به خدا» در زبان عامه نشان می‌دهد.

یا ضرب المثل «بهشت به سرزمین آن نمی‌آرزد»، گویای زشتی منت پس از احسان می‌باشد. چنان که خداوند متعال یکی از اوصاف انفاق کنندگان در راه خدا را همین ویژگی می‌داند که اموال خود را انفاق می‌کنند و سپس منت و آزادی بر دیگران روا نمی‌دارند.^(۳)

ده‌ها ضرب المثل را می‌توان در این قالب قرار داد.

۲- بسیاری دیگر از ضرب المثل‌های زبان فارسی اگر چه چنین پیوند مستحکمی با مبانی دینی ندارد، اما با واسطه، پیوندی قابل توجه با مبانی دینی پیدا خواهند کرد. این ضرب المثل‌ها در قالبی قرار می‌گیرند که آن را می‌تواند «عرف‌های نیکو» نام نهاد. در حقیقت تجربه سالیان طولانی یک ملت این دسته از ضرب المثل‌ها را ساخته و پرداخته و در السنه مردم انداخته است مانند: «برهنه آمده‌ایم و پرهنه نیز خواهیم رفت»؛ و یا «برای یک دستمال، قیصر را آتش می‌زند».

۳- دسته دیگر از ضرب المثل‌ها را بایستی با دقت و تأمل به کار برد. این دسته از ضرب المثل‌ها هر گاه در محدوده‌ای خاص به کار بروند، تأثیر گذارند و مقصود گوینده از آنها تأمین می‌شود، اما پذیرش آن‌ها به صورت درست و مطلق محل بحث و نزاع است. برخی از ضرب المثل‌های مشهور این دسته عبارتند از:

«خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو». هر گاه این ضرب المثل را به عنوان یک واقعیت عینی به کار ببریم، محمل پذیرش دارد، اما چنانچه آن را به عنوان یک دستور العمل زندگی اجتماعی عنوان کنیم، پذیرش مطلق آن محل تردید است، زیرا همواره بایستی به رنگی در آئیم که هیچ کس از ما نرنجد یا ضرب المثل «دوری و دوستی» را هر گاه در حد و اندازه‌ای معین به کار ببریم مورد قبول است، اما چنانچه از این ضرب المثل این گونه اراده کنیم که «هر چه ارتباط با دیگران کم‌تر، روابط بهتر»، آن گاه برخی از اصول اجتماعی و دینی نظیر «صله رحم» منافات پیدا خواهد کرد.

۴- برخی دیگر از ضرب المثل‌های زبان فارسی یک بیت و یا یک مصرع از یک بیت شعر می‌باشند که به مرور زمان از سوی توده مردم و خواص، نه به عنوان شعر که به عنوان یک ضرب المثل، مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای مثال، ضرب المثل «کلوخ انداز را پاداش سنگ است»، مصرع دوم این بیت شعر از سعدی است:

بگفتا ای برادر این نه جنگ است

کلوخ انداز را پاداش سنگ است
یا ضرب المثل معروف: «به جز کشته خویش ندروی»؛ مصرع دوم این بیت شعر از سعدی است:

چو دشنام گویی دعا نشنوی به جز کشته خویش ندروی
ضرب المثل‌های فراوان دیگری را می‌توان در این چار چوب جست و جو کرد.^(۴)

پی نوشت

۱. ریشه‌ها تاریخی امثال و حکم، مهدی پرتوی آملی، ص ۱۸.
۲. مگوی آنچه هرگز نگفته است کس به مردی مکن باد را در قفس (فردوسی).
۳. سوره بقره / ۲۶۲.
۴. در این زمینه برای مطالعه بیش‌تر به کتاب «در گشت ضرب المثل‌ها» مراجعه کنید. در این کتاب، خوانندگان عزیز مجله با ضرب المثل‌های معروف زبان فارسی، شکل‌گیری، ریشه تاریخی برخی از آن‌ها، کاربرد و نیز با برخی ضرب المثل‌های غیر مشهور، اما زیبای زبان فارسی آشنا خواهند شد.



و شادی، پندارها و خرافات، عقاید و سخن و به طور کلی همه و همه این مسائل را در آن به روی صحنه می‌آورند، و در معرض دید بینندگان و شنودگان قرار می‌دهند.... مثل، حکمت توده است و تعداد امثال و حکم در میان هر ملتی نشانه سعه فکر عوام آن ملت است...»^(۱)

به کار بردن ضرب المثل در نوشته‌ها و گفته‌ها، علاوه بر جذاب کردن نوشتار و گفتار، نویسنده و گوینده را از پردازش غیر ضروری به مطالب خود بی‌نیاز می‌سازد. علاوه بر آن که، مقبولیتی ویژه به نوشته‌ها و گفته‌ها می‌بخشد. مثلاً گوینده‌ای که در زمینه تأثیر صداقت و درستی و در سرزنش نیرنگ و فریب این ضرب المثل را به کار ببرد: «بار کج به منزل نرسد»؛ و یا در خصوص انجام دادن کارهای بیهوده ضرب المثل «آب در هاون کوبیدن»؛ یا «باد در قفس کردن»^(۲) را شاهد مثال آورد، علاوه بر جذابیت کلام، او را از اطاله بیان بی‌نیازی می‌سازد و مقصود خود را تنها در چند کلمه برای شنونده ترسیم می‌سازد.